

بررسی تأثیر قدرت مدیر عامل بر عملکرد مالی شرکت‌ها با نقش تعدیلگری سطح افشای مسئولیت اجتماعی

ابوالفضل کریمیان^{۱*}

زینب زحمتکش^۲

سهیلا شهرستانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر قدرت مدیر عامل بر عملکرد مالی شرکت‌ها با نقش تعدیلگری سطح افشای مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. این پژوهش از لحاظ هدف، جزو تحقیقات کاربردی است و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها در گروه‌بندی پژوهش‌های پس رویدادی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۴۰۰ - ۱۳۹۶ است. به منظور انتخاب نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده که پس از اعمال معیارهای مربوطه، تعداد ۱۷۲ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در تحقیق حاضر به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و عملکرد مالی شرکت را تضعیف می‌کند. همچنین دوره تصدی مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر مستقیم و معناداری دارد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه بین دوره تصدی مدیرعامل و عملکرد مالی شرکت را تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی

دوره تصدی مدیرعامل، دوگانگی وظایف مدیرعامل، بازده دارایی‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران. (* نویسنده مسئول: abolfazle_karimian@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران. (zahmatkesh.z@gmail.com)

^۳ استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران. (s.shahrestany@yahoo.com)

۱. مقدمه

اساساً هدف اولیه یک شرکت دستیابی به حداکثر سود است. بنابراین، شرکت باید مدیرعاملی داشته باشید که توانایی مدیریت شرکت را داشته باشد. موقعیت مدیر عامل واقعاً تعیین کننده است؛ چه شرکت خوب کار کند یا نه، مدیر عامل می تواند شرکت را به سمت موفقیت یا شکست سوق دهد. در واقع قدرت مدیر عامل به پتانسیل یک مدیرعامل برای داشتن دارایی ها یا موقعیت های اهرمی برای تعقیب جایگاه خود اشاره دارد. اهداف زمانی که قدرت یک مدیر عامل توسط یک ناظر مستقل کنترل نشده باشد، احتمال بیشتری وجود دارد به نفع خود رفتار کند و ثروت سهامداران را کاهش دهد. به طوری که مدیران شرکت ها، به خصوص مدیرعامل ممکن است به صورت فرصت طلبانه از قدرت خویش در راستای تسهیل معاملات مدیریتی استفاده کنند؛ تا از این طریق منافع خویش را حداکثر کنند؛ به همین دلیل آن ها ممکن است برای گمراه کردن سرمایه گذاران شرکت، کیفیت گزارشگری مالی را کاهش دهند و اینگونه قدرت مدیرعامل می تواند باعث تشدید رابطه منفی بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها شود.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

مدیرعامل عموماً به عنوان یکی از قدرتمندترین اعضای شرکت شناخته می شود که قدرت مدیرعامل به طور معمول به سبب اختیارات قانونی و تخصص ایجاد می شود. لذا انتظار تأثیرپذیری اهداف و برنامه های شرکت ها، ساختار و فرآیندهای داخلی شرکت از قدرت مدیر عامل دور از انتظار نیست، به نحوی که تصمیمات اصلی و تا حد زیادی آینده شرکت تحت تأثیر قرار می گیرد. نمونه های بی شماری (مانند: استیو جابز^۱ مدیرعامل شرکت اپل، مایون^۲ مدیرعامل شرکت علی بابا، آیلان ماسک^۳ مدیرعامل شرکت تسلا) نشان می دهد که مدیران قدرتمند، شرکت را کارآمدتر کرده و سرانجام موفقیت شرکت را تا حدودی تضمین می کنند. با توجه به اهمیت کیفیت گزارشگری مالی در فرآیند تصمیم گیری استفاده کنندگان گزارش های مالی، سرمایه گذاران باید بدانند مدیران برای پوشاندن اثرات سوء معاملاتی مدیریتی، به کاهش کیفیت گزارشگری مالی اقدام می کنند و با افزایش قدرت مدیرعامل، احتمال تشدید چنین رابطه ای بیشتر می شود؛ در نتیجه، چنین اقداماتی می تواند سرمایه گذاران را گمراه کند یا اثرات نامساعد بر ثروت سهامداران داشته باشد (ظاهری عبده وند و همکاران، ۱۴۰۰). وجود یک شرکت در جامعه می تواند دو جنبه مهم را ارائه دهد که شامل ایجاد شرایط هم افزایی برای بهتر شدن و بهبود وضعیت مردم می باشد. شرکت هایی که تعهد بالایی به مسئولیت اجتماعی (CSR)^۴ دارند؛ مورد قدردانی جامعه قرار خواهند گرفت تا بدین ترتیب شهرت شرکت افزایش خواهد یافت. شرکت به عنوان شکلی از سازمان که فعال است عموماً دارای اهداف مشخصی است که باید به آن دست یافت در فعالیتهای تجاری خود برای تامین منافع اعضای خود. حاکمیت شرکتی یکی از مهمترین آنهاست اجزای حیاتی، که هدف آن بهبود عملکرد شرکت است. اگر حاکمیت شرکتی خوب است اجرا شود، عملکرد شرکت بهبود خواهد یافت. طی دو دهه گذشته مسئولیت اجتماعی شرکت به طور قابل توجهی از سوی واحدهای اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. مسئولیت اجتماعی شرکت بر مسائل مهمی از قبیل اخلاق، محیط زیست، امنیت، آموزش، حقوق بشر و غیره تأکید دارد. اگر چه اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت دارای هزینه های اولیه ای برای شرکت است؛ اما در نهایت به دلیل بهبود

¹ Steve Jobs

² Mayon

³ Elon Musk

⁴ Corporate Social Responsibility (CSR)

شهرت شرکت، کاهش هزینه‌ها در بلندمدت و افزایش تقاضا، موجب افزایش فروش و سود و منجر به بهبود عملکرد شرکت در بلندمدت می‌شود. افشای مسئولیت اجتماعی به عنوان پل ارتباطی بین واحد تجاری و ذینفعان است و باعث جذب سرمایه‌گذاران نهادی می‌شود. سرمایه‌گذاران نهادی با توجه به مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در شرکت‌های سرمایه‌پذیر برخوردار بوده و می‌توانند رویه‌های مدیران را تحت تأثیر قرار دهند و با ارائه اطلاعات دقیق از سوی شرکت‌ها به رعایت اخلاق حرفه‌ای بپردازند که تمرکز مالکیت عاملی تعیین‌کننده در سرمایه‌گذاری بر مسئولیت اجتماعی شرکت است (اسکو و کاردگر، ۱۳۹۹). همچنین مسئولیت اجتماعی شرکتی به- عنوان یک بعد با اهمیت در ادبیات و مبانی نظری مدیریت مطرح شده است، که منجر به بهبود عملکرد و شاخص‌های مالی و غیرمالی شرکت در بلند مدت می‌شود زیرا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها باعث بهبود ادراک مصرف‌کنندگان، وفاداری بلندمدت مشتریان، شهرت شرکت، سودآوری بیشتر، نظارت مؤثرتر بر امور شرکت و رضایت شغلی بالاتر می‌شود که همه این عوامل به کسب سرمایه فکری بیشتر کمک می‌کنند، از سویی دیگر تأثیر شرکت‌ها بر جامعه یک دغدغه جهانی تلقی گردیده و انتظارات ذینفعان از نقش واحدهای تجاری در جامعه در حال افزایش می‌باشد (قلیچ لی و مشبکی، ۱۳۸۵). شرکت‌ها می‌توانند موانعی را تجربه کنند، اما همیشه به آرامی کار نمی‌کنند. شرکت‌ها گاهی اوقات مشکلاتی دارند، چه در مقیاس کوچک و چه در مقیاس بزرگ که رفع این مشکلات بر عهده یک مدیرعامل است. زیرا مدیران عامل باید در رویارویی با هر چیزی که باعث موفقیت شرکت می‌شود سختگیر باشند. مانند چند مورد از مدیران که توانستند شرکت‌ها را با استفاده از قدرت خود از بحران نجات داده و به اهداف خود برسند نظیر: ادوارد ویتاکر^۵ که توانست جنرال موتورز^۶ را از بحران بازسازی کند. لی یاکوکا^۷ سخت‌کنجید برای حفظ کرایسلر اتوموتیو^۸ که در آستانه ورشکستگی بود و تعدادی از اقدامات هوشمندانه در شرکت، از جمله سازماندهی مجدد ساختار مالی و قیمت‌گذاری بازار بر محصولات کرایسلر تحمیل شده است. نه تنها این، بلکه یاکوکا مدیریت شرکت را اصلاح کرد. تمام تلاش‌های آنان مؤثر بود و کرایسلر توانست به سودآوری در دستان خود بازگردد. مدیریت خوب ایزاک پرلموتر^۹ در احیای مارول کامیک^{۱۰} چیز جالبی است، او شرکت خود و Toy Biz را ترکیب کرد تا مشکلات مختلفی را که مارول کامیک و آن را آزار می‌داد کاهش دهد. توانایی مدیریت مالی شرکت به درستی بود، که توانست موجب موفقیت مارول کامیک شود. موفقیت این دسته از مدیران عامل ثابت می‌کند که اگر مدیر عامل قدرتمند بتواند شرکت را به عملکرد بهتری برساند؛ این مورد جالبی است که می‌تواند باعث بررسی زیربنای تحقیقات در مورد قدرت مدیر عامل باشد. قدرتمندترین موقعیت در شرکت همیشه مقام مدیر عامل در نظر گرفته می‌شود، زیرا مدیران عامل هستند که انتظار می‌رود شرکت‌های خود را به سمت ایجاد ثروت و افزایش فرصت‌های آینده برای ذینفعان هدایت کنند. مدیران ارشد نه تنها قدرت مطلق بر تصمیمات عملیاتی شرکت دارند، بلکه دارای قدرت زیادی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات استراتژیک شرکت هستند. مدیران عامل به عنوان مدیر اجرایی که در سطح بالای ساختار سازمانی قرار دارند، با تسلط بر قدرت تصمیم‌گیری خود ایستاده‌اند که به وضوح تأثیر قابل توجهی بر عملیات شرکت دارد (سفیرا علیفا و پوجی

⁵ Edward Whittaker

⁶ General Motors

⁷ Lee Iacocca

⁸ Chrysler Automotive

⁹ Isaac Perlmutter

¹⁰ Marvel Comics

هارتو^{۱۱}، (۲۰۲۰). همچنین باتوجه به اینکه توانایی مدیریت به کاهش ریسک عملکرد ضعیف و همچنین ریسک ورشکستگی شرکت منجر می‌شود. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود بالاتر بودن توانایی و قدرت مدیر عامل به تقلیل ریسک تداوم فعالیت شرکت‌ها منجر شود، زیرا توانایی مدیر عامل با عملکرد جاری و آتی شرکت‌ها در ارتباط است و بررسی تأثیر نقش تعدیل‌گری افشای مسئولیت اجتماعی بر روی سیاست‌های شرکت از قبیل خط‌مشی و سیاست‌های حسابداری شرکت، موضوع بسیار مهمی است. چرا که قدرت می‌تواند منجر به تصمیماتی گردد که ارزش شرکت را از بین می‌برد و تداوم فعالیت شرکت‌ها را با خطر ورشکستگی رو به رو کند؛ لذا در این پژوهش باتوجه به مطالعات صورت گرفته نظر به اینکه که چگونه قدرت مدیران عامل بر عملکرد مالی شرکت‌ها و تعدیل افشای مسئولیت اجتماعی آن‌ها بر عملکرد مالی پس از آن تأثیر می‌گذارد، به بررسی این موضوع می‌پردازد.

از آنجا که مسأله نمایندگی مهمترین آسیب جدایی مالکیت از مدیریت است. یکی از راه‌های کاهش آسیب هم سوء کردن منافع مالک و مدیر با استفاده از متغیرهای حسابداری است. هرچند ذینفعان ترجیح می‌دهند، بازده حاصل از بکارگیری منابع حداکثر شود؛ اما ترجیح مالکان این است که بازده سرمایه‌گذاری آن‌ها بطور خالص حداکثر شود. بنابراین باتوجه به اینکه هیئت مدیره به نمایندگی از مالکان مدیر را انتخاب و استخدام می‌کند احتمال اینکه در قرارداد مربوطه بر معیارهای عملکرد مدنظر صاحبان سرمایه تأکید شود؛ بسیار بیشتر از معیارهای عملکردی است که سایر ذینفعان شرکت به آن اهمیت می‌دهند. بدیهی است که مالکان در صورتی اختیار قدرت بیشتری به مدیر عامل اعطا می‌کنند که احتمال بهبود معیارهای مذکور بیشتر شود. رابطه مثبت بین قدرت مدیر عامل و بازده حقوق صاحبان سهام می‌تواند؛ تأیید این ادعا باشد. با بهبود معیارهای عملکرد مدنظر صاحبان سهام انتظار می‌رود ارزش سرمایه‌گذاری آن‌ها بهبود یابد (فروغی، رحیمی، ۱۴۰۰). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در دهه اخیر به پارادایم غالب و مسلط حوزه اداره شرکت‌ها تبدیل شده است و شرکت‌های بزرگ و معتبر جهانی مسئولیت در برابر اجتماع و محیط اجتماعی را جزئی از استراتژی شرکتی خود می‌بینند. این مفهوم موضوعی است که هم‌اکنون در کشورهای توسعه یافته به شدت از سوی تمامی بازیگران همچون حکومت‌ها، شرکت‌ها، جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی و مراکز علمی دنبال می‌شود. شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی شرکتی را نوعی استراتژی تجاری می‌بینند که باعث می‌شود در فضای به شدت رقابتی، بر اعتبارشان افزوده شود و سهمشان در بازار فزونی گیرد. مسئولیت اجتماعی شرکتی مفهومی است که به موجب آن شرکت‌ها به طور داوطلبانه برای بهبود وضعیت اجتماع و کمک به داشتن جامعه‌ای بهتر و محیطی پاک‌تر تصمیم‌گیری می‌کنند. به عبارت دیگر، مفهومی که به موجب آن شرکت‌ها در عملیات و فعالیت‌های خود و در تعامل با تمام ذینفعان، به صورت داوطلبانه در مسائل اجتماعی و زیست محیطی مشارکت می‌نمایند. از آنجایی که، فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی اجباری و الزامی نمی‌باشد؛ لذا در خصوص دلیل مشارکت یا عدم مشارکت شرکت در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: دیدگاه سنتی که شامل نظریه نمایندگی است و بیان می‌کند که شرکت صرفاً نسبت به سهامداران مسئولیت دارد و از آنجایی که مسئولیت اجتماعی شرکتی؛ منافع سایر ذینفعان علاوه بر سهامداران را در نظر می‌گیرد؛ لذا تلاشی بدون توجه، غیرقابل قبول و نامشروع توسط مدیریت است. بخشی از مسایل نمایندگی از طریق فقدان اطلاعات مالی در دسترس سرمایه‌گذاران حاصل می‌شود. بنابراین شرکت‌هایی که افشای

¹¹ Safira Alifa and Puji Harto

اطلاعات اضافی و داوطلبانه را درباره فعالیت‌های خویش فراهم می‌کنند، حسن روابط مشترک نماینده و کارگزار را بهبود می‌بخشد. پس می‌توان گفت که افشای داوطلبانه به مشابه کانالی است که سهامداران فعلی و بالقوه از طریق آن اطلاعات مربوط به ارزش و عملکرد شرکت و رابطه بین افراد درون سازمانی و برون سازمانی را به دست می‌آورند. مسئولیت اجتماعی شرکت، باور شرکت در این خصوص است که کلیه فعالیت‌های شرکت از جمله سیاست‌های مربوط به پرداخت مالیات بر تمام ذینفعان از جمله سهامداران، کارکنان، جامعه، دولت، مشتریان و سایرین تأثیر می‌گذارد. از این دیدگاه، فعالیت‌های مسئولانه عبارتند از: توجه نمودن به تأثیرات اقدامات شرکت و تلاش جهت اثرگذاری مثبت و حفظ منافع کلیه ذینفعان و فعالیت‌های غیر مسئولانه. برخی معتقدند که مسئولیت اجتماعی شرکت موجب افزایش عملکرد مالی، ارزش شرکت و نهایتاً افزایش سود شرکت و پاداش مدیران می‌شود، در مقابل عده‌ای معتقدند که مسئولیت اجتماعی شرکت؛ موجب کاهش منابع، افزایش هزینه‌ها و در نهایت کاهش سود شرکت و پاداش مدیران می‌گردد (مرانی و همکاران، ۱۴۰۰). از آن جایی که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی با توجه به گزارش‌های ارائه شده از سوی شرکت‌ها که نشأت گرفته از وضعیت مالی، عملکرد و فعالیت‌های آن است، تصمیماتی را در مورد شرکت اتخاذ می‌کنند و قدرت مدیر عامل و نفوذ وی می‌تواند تأثیر گذار در شفافیت و گزارشگری باشد؛ لذا انجام پژوهشی که به بررسی "تأثیر قدرت مدیر عامل بر عملکرد مالی شرکت‌ها با نقش تعدیلگری سطح افشای مسئولیت اجتماعی" بپردازد، ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۲. مطالعات داخلی

تفتیان و معین الدین (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر کیفیت کمیته حسابرسی" به بررسی این موضوع پرداختند. در این پژوهش قدرت مدیرعامل در هیئت مدیره، دوره تصدی بلندمدت، مالکیت سهام و ترکیب هیئت مدیره و نیز کیفیت کمیته حسابرسی با شاخص‌های: اندازه، تخصص مالی، استقلال و تنوع جنسیتی اندازه‌گیری شد. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۹۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. از روش داده ترکیبی با رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید. نتایج برآورد مدل اول پژوهش نشان داد که قدرت مدیرعامل اثر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. به سخن دیگر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای مدیر عامل قدرتمند نسبت به سایر شرکت‌ها کمتر است. در عین حال، نتایج برآورد مدل دوم پژوهش حاکی از آن است که کیفیت کمیته حسابرسی اثر معناداری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ندارد. این مطالعه برای اولین بار شواهدی در رابطه با قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها فراهم می‌کند و به بسط ادبیات در این زمینه کمک می‌نماید. علاوه بر این شواهد این مطالعه برای ناظر و سیاست‌گذاران در ایران مناسب است و علامت مثبتی به آن‌ها در خصوص توصیه یا الزامی نمودن کمیته حسابرسی در هیئت مدیره می‌دهد.

فروغی و رحیمی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی این موضوع پرداختند. بدین منظور اطلاعات مربوط به ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ با استفاده از رگرسیون چندگانه مورد آزمون قرار گرفتند. این پژوهش کاربردی بوده و روش‌شناسی آن تجربی است. یافته‌های این پژوهش طبق انتظار بین قدرت مدیرعامل و معیارهای بازده حقوق صاحبان سهام و کیوتوین رابطه مثبت وجود دارد، اما بین قدرت مدیرعامل و بازده دارایی‌ها

رابطه‌ای وجود ندارد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که مسئله نمایندگی مهمترین آسیب جدایی مالکیت از مدیریت است. یکی از راه‌های کاهش این آسیب هم سو کردن منافع مالک و مدیر با استفاده از متغیرهای حسابداری است.

فاطمه مرانی و همکاران (۱۴۰۰)، مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل، ارتباطات سیاسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد دارد، معیارهای ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد دارد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد دارد.

شیرخانی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان "قدرت مدیرعامل و تصمیم‌گیری ازدحامی منافع سهامداران بر اساس نظریه سلفستایی گری" به بررسی این موضوع پرداختند. سیاست‌ها و قابلیت‌های تصمیم‌گیری مدیران عامل به عنوان یک مکانیزم تأثیرگذار بر شکاف هزینه‌های نمایندگی نقش مهمی در رضایت و اعتماد سهامداران ایفا می‌نماید. اما مدیران برحسب خواسته‌ها و رویکردهای خود اغلب فرصت طلبانه عمل می‌نمایند و براساس سفسطه‌گرایی مبنای تصمیم‌گیری خود را برای سهامداران و سرمایه‌گذاران توجیه می‌نمایند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل با تصمیم‌گیری ازدحامی منافع سهامداران بر اساس نظریه سلفستایی گری می‌باشد. در این پژوهش با هدف ارتقای سطح نوآوری و دانش‌افزایی در پیوند بین فرآیندهای قضاوتی و کمی در انجام پژوهش‌های حسابداری، جهت جمع‌آوری داده‌های تصمیم‌گیری ازدحامی از پرسشنامه استاندارد استفاده شد و جهت سنجش قدرت مدیرعامل از گزارش‌های صورت‌های مالی شرکت‌ها در بازه زمانی یکساله ۱۳۹۷ استفاده گردید. همچنین با توجه به اینکه مطالعه داده‌ها مربوط به یک مقطع زمانی خاص بود و روش تحلیل داده‌ها به صورت مقطعی و مبتنی بر روش تحلیل مسیر است، به منظور برازش مدل از تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS^{۱۲}) استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد، قدرت مدیرعامل بر تصمیم‌گیری ازدحامی منافع سهامداران تأثیر منفی دارد. در واقع این نتیجه نشان می‌دهد، وجود قدرت مدیرعامل باعث ایجاد تضاد منافع در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود و این موضوع سبب می‌گردد تا منافع ذینفعان تحت الشعاع منافع ارکان دارای قدرت در رأس شرکت گردد، که از طریق سفسطه‌گرایی به دنبال توجیه آن می‌باشند.

نیکبخت و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت" به بررسی این موضوع پرداختند. بدین منظور اطلاعات مربوط به ۱۰۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۹ ساله از سال ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۶ با استفاده از الگوهای رگرسیونی چندمتغیره مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعات شرکت، معاملات تجاری و اختلاف قیمت خرید و فروش سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعات شرکت (شامل: خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران بازار سهام و اقلام تعهدی اختیاری) رابطه معناداری وجود ندارد. پورحیدری و فروغی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر نفوذ مدیرعامل بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری" به بررسی این موضوع پرداختند. بدین منظور اطلاعات مربوط به ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

¹² Primary Lateral Sclerosis (PLS)

بین سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۶ را شامل می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن بود که به موقع بودن اطلاعات حسابداری رابطه منفی و معناداری با قدرت مدیریتی دارد، لیکن بین کیفیت افشای اطلاعات حسابداری و قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری با قدرت مدیریتی رابطه معناداری یافت نشد. نتایج پژوهش نشان داد که این مطلب بیان می‌کند اگرچه مدیران از قدرت خویش در راستای زمانبندی افشای اطلاعات بهره می‌جویند، لیکن از این قدرت در راستای صدمه زدن به قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری استفاده نمی‌کنند.

رحیمی و فروغی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر مکانیسم‌های کنترلی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ارزش شرکت" به بررسی این موضوع پرداختند. در این بررسی قدرت مدیرعامل به استفاده از ۳ معیار دوره تصدی مدیرعامل، دوگانگی نقش مدیرعامل، استقلال هیئت مدیره و ارزش شرکت با نسبت کیو توین اندازه‌گیری شده است. مکانیسم‌های کنترلی به دو دسته مکانیسم درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش بیانگر این است که رقابت در بازار محصول و حاکمیت شرکتی رابطه بین قدرت مدیرعامل و ارزش شرکت را تقویت می‌کند. توانگر و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان "ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی" به بررسی این موضوع پرداختند. بدین منظور اطلاعات مربوط به ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت تحلیل لاجیت مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که قدرت مدیرعامل تنها تأثیر تعدیل کننده بر ارتباط بین اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی دارد.

۲-۲. مطالعات خارجی

ژینگ پینگ جیا^{۱۳} و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان "قدرت و مسئولیت: چگونه منابع مختلف قدرت مدیر عامل بر عملکردهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد" به بررسی این موضوع پرداختند که آیا قدرت بیشتر مدیر عامل با مسئولیت بیشتری همراه است؟ با استفاده از مجموعه داده‌های پانل شامل ۶۶۰۴ مشاهدات سالانه شرکت‌های سهامی عام چین از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، نتایج نشان داد که قدرت ساختاری به طور منفی با شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی مرتبط است و قدرت متخصص به طور مثبت با اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکتی مرتبط است، در حالی که قدرت مالکیت و قدرت پرستیژ هیچ رابطه مستقیمی ندارند. با شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی نتایج نشان می‌دهد که دید شرکت رابطه منفی بین قدرت ساختاری و شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی را تضعیف می‌کند و به ترتیب رابطه بین قدرت متخصص و شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی را تقویت می‌کند.

لین چو^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان "قدرت مدیر عامل و مسئولیت اجتماعی: نقش تعدیل کننده ویژگی‌های مدیر عامل" به بررسی این موضوع پرداختند. این مقاله نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که مدیران اجرایی قدرتمندتری دارند، کمتر درگیر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی هستند. ارتباط منفی بین قدرت مدیر عامل و مسئولیت اجتماعی توسط مدیران عاملی که جوان‌تر، شایسته‌تر و بیش از حد اعتماد به نفس دارند تشدید می‌شود. با این حال، این ارتباط منفی توسط مدیران عاملی که زن هستند کاهش می‌یابد. این مقاله همچنین نشان می‌دهد که جنسیت نقش مهم-

¹³ Xingping jia

¹⁴ Hsuan-Lien Chu

تری در میان ویژگی‌های مدیرعامل دارد. در مجموع، یافته‌ها فرصت‌های بالقوه برای درک بهتر نقش ویژگی‌های مختلف مدیرعامل که به طور مشترک بر مسئولیت اجتماعی تأثیر می‌گذارند را برجسته می‌کنند.

سفیرا علیفا و پوجی هارتو^{۱۵} (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان "تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد شرکت مدیریت شده با استفاده از افشای مسئولیت اجتماعی" به بررسی این موضوع پرداختند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد شرکت و تأثیر تعدیل‌کننده افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و عملکرد شرکت مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن است که شاخص‌های قدرت مدیرعامل بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت دارند. افشای مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه بین مالکیت مدیرعامل و عملکرد شرکت را تعدیل می‌کند. در همین حال، افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی رابطه بین تصدی مدیرعامل و عملکرد شرکت را تعدیل نمی‌کند.

عرب و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و اهرم مالی شرکت پرداختند. نتایج نشان داد تصدی مدیرعامل و مالکیت مدیرعامل بر اهرم مالی تأثیر منفی دارد و دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر اهرم مالی تأثیر مثبت دارد. همچنین، در آزمون تحلیل حساسیت یک معیار کلی برای قدرت مدیرعامل در نظر گرفته شد و نتیجه نشان داد قدرت مدیرعامل بر اهرم مالی تأثیر منفی دارد.

عبدالکریم و زهری^{۱۶} (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان "قدرت مدیرعامل، ساختار مالکیت و عملکرد شرکت: شواهد از شرکت‌های فهرست شده (شورای همکاری خلیج فارس) GCC"^{۱۷} به بررسی این موضوع پرداختند. هدف از این مطالعه بررسی اینکه شرکت‌هایی که مدیران اجرایی آن‌ها قدرتمندتر هستند، ممکن است عملکرد بهتری از خود نشان دهند و اینکه کارایی در مقابل تمرکز مالکیت که به عنوان متغیر تعدیل‌کننده استفاده می‌شود، اثر مثبت معنی‌داری ندارد.

هسیو^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان "قدرت مدیرعامل و تأثیر آن بر عملکرد و حاکمیت: شواهد از بانک‌های چینی" به بررسی این موضوع پرداختند. آیا قدرت مدیرعامل در بانک‌های چینی اهمیت دارد یا خیر. ما متوجه شدیم که اثرات قدرت بر عملکرد بانک‌ها و ساختار هیئت مدیره به روش‌های منحصر به فرد خود متفاوت است. مدیران عامل با قدرت ساختاری به طور منفی با عملکرد مرتبط هستند، اما ارتباط مثبتی با هیئت مدیره‌های دارای تنوع جنسیتی دارند. علاوه بر این، مدیران عامل با قدرت مالکیت عملکرد را بهبود می‌بخشند اما با حرفه‌ای بودن و تنوع در هیئت مدیره ارتباط منفی دارند. بانک‌هایی که مدیران عاملی با قدرت متخصص و متنوع جنسیتی دارند، عملکرد خوبی دارند. در همین حال، مدیران عامل با قدرت پرستیژ احتمالاً مدیرانی را که از نظر سیاسی مرتبط هستند به هیئت مدیره منصوب می‌کنند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی است؛ پژوهش‌های کاربردی پژوهش‌هایی هستند که نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فونونی که در پژوهش پایه تدوین می‌شوند را برای حل مسائل اجرایی و واقعی به کار می‌گیرد. از نظر ماهیت از نوع

¹⁵ Safira Alifah & Puji harto

¹⁶ Gaafar Mohamed Abdalkrim and Chokri Zehri

¹⁷ Cooperation Council of the Arab States of the Persian Gulf

¹⁸ Hsiu-l Ting

همبستگی است. در واقع هدف این نوع تحقیق، مطالعه حدود تغییرات یک متغیر با حدود تغییرات یک یا چند متغیر دیگر است. این پژوهش رویکردی قیاسی - استقرایی دارد و در میان انواع تحقیقات همبستگی جزء تحلیل‌های رگرسیونی می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر اطلاعات واقعی و تاریخی است، آن را می‌توان از نوع پس رویدادی طبقه‌بندی کرد. همچنین تحقیق حاضر از لحاظ عده محققان تحقیقی فردی است. نیز این تحقیق در حوزه تحقیقات اثباتی قرار گرفته و با توجه به اینکه از اطلاعات تاریخی در آزمون فرضیات آن استفاده شده است، در گروه تحقیقات شبه آزمایشی طبقه‌بندی می‌گردد.

۴. یافته‌های پژوهش

سنجش قدرت مدیرعامل (متغیر مستقل)

در پژوهش حاضر به پیروی از مطالعه یزدی و همکاران (۱۴۰۱) جهت سنجش قدرت مدیرعامل از دو معیار دوگانگی وظایف مدیرعامل (جهت آزمون فرضیه اول و دوم) و دوره تصدی مدیرعامل (جهت آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم) استفاده خواهد شد. دوره تصدی مدیرعامل مطابق با مطالعه (عرب و همکاران، ۱۳۹۹) برابر با تعداد سال‌هایی است که مدیرعامل شرکت در این سمت مشغول به فعالیت می‌باشد (سال اول ۱، سال دوم ۲ و...). دوگانگی وظایف مدیرعامل نیز مطابق با پژوهش عباسی و احمدی (۱۳۹۰) یک متغیر مجازی است؛ بدین صورت که اگر در شرکتی مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره باشد، بیانگر دوگانگی وظایف مدیرعامل بوده و مقدار ۱ را دریافت می‌کند و در غیر این صورت مقدار صفر را خواهد پذیرفت.

سنجش عملکرد مالی (متغیر وابسته)

در پژوهش حاضر به منظور سنجش عملکرد مالی شرکت از معیار بازده دارایی‌های شرکت استفاده خواهد شد که برابر با نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌های شرکت می‌باشد.

سود خالص

$$\text{سنجش} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{مجموع دارایی‌های شرکت}}$$

سنجش مسئولیت پذیری اجتماعی (متغیر تعدیلگر)

مطابق با مطالعات القول و همکاران (۲۰۱۱) مورالیت و همکاران (۲۰۱۲) لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۵) و خواجهی و همکاران (۱۳۹۷) برای سنجش افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی واحدهای تجاری از شش جنبه حاکمیت شرکتی، جامعه، نیروی کار، سهامداران، محیط زیست استفاده گردید. این جنبه‌ها، بیانگر میزان توجه شرکت به گروه‌های ذینفعی بوده که اثر قابل توجهی بر سیاست‌های سازمان دارند. بر این اساس، جهت سنجش افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نخست این متغیر برای هر مشاهده از طریق هر یک از شاخص‌های ذکر شده در جدول زیر بدست می‌آید. سپس به وسیله محاسبه میانه به عنوان معیاری برای هر یک از شاخص‌ها، به کلیه مشاهدات بدست آمده با توجه به نوع رابطه آن‌ها با مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ مقدار ۰ یا ۱ تعلق می‌گیرد. در نهایت، از حاصل جمع امتیازهای بدست آمده (۰ تا ۸)، شاخص افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دست می‌آید (امتیاز بالاتر بیانگر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر می‌باشد).

آمار توصیفی

برای اینکه تا حدودی اطلاعات نهفته در داده‌ها مختصر و محسوس شود و کلیاتی درباره ویژگی نمونه‌های مورد بررسی به دست آید اقدام به تهیه و تنظیم آمار توصیفی می‌شود، این اطلاعات شامل: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی از قبیل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر می‌باشد. جدول آمار توصیفی برای متغیرهای تحقیق به شرح زیر می‌باشد. اطلاعات جدول زیر با استفاده از نرم افزار SPSS استخراج شده‌اند.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای مدل

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
عملکرد مالی شرکت	<i>FP</i>	۰/۱۶۸	۰/۱۳۹	۰/۱۶۷	-۰/۵۸۱	۰/۶۸۲
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	<i>CEOD</i>	۰/۳۱	۰/۰۰	۰/۴۶۲	۰	۱
دوره تصدی مدیرعامل	<i>CEOT</i>	۴/۲۶۱	۳/۰۰۰	۳/۷۴۲	۱	۲۲
مسئولیت پذیری اجتماعی	<i>CSR</i>	۳/۴۳	۳/۰۰	۱/۲۲۷	۱	۷
اندازه شرکت	<i>SIZE</i>	۱۵/۲۶۹	۱۵/۰۰۹	۱/۶۶۷	۱۱/۳۶۱	۲۱/۳۲۷
اهرم مالی شرکت	<i>LEV</i>	۰/۰۶۰	۰/۰۳۷	۰/۰۷۳	۰/۰۰۰	۰/۶۱۹
سن شرکت	<i>AGE</i>	۴۱/۶۵	۴۳/۰۰	۱۳/۲۱	۱۴	۷۰
زیاندهی شرکت	<i>Loss</i>	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۲۸۷	۰	۱
نقدینگی شرکت	<i>LIQ</i>	۰/۰۸۷	۰/۰۴۸	۰/۱۰۴	۰/۰۱۱	۰/۱۰۴

پس از محاسبه هر یک از متغیرها جهت برآورد بهترین روش رگرسیون چندگانه از نرم‌افزار آماری R استفاده شد. پیش از بررسی فرضیه‌ها ایستایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش از برآورد مدل، لازم است ایستایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین‌ها، مورد آزمون قرار گیرد، زیرا نامانایی متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه داده‌های پانلی، باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. برخلاف آنچه در مورد داده‌های سری زمانی مرسوم است، در مورد داده‌های پانلی نمی‌توان برای آزمون مانایی از آزمون‌های دیکی-فولر و دیکی فولر تعمیم یافته بهره جست، بلکه لازم است به نحوی مانایی جمعی متغیرها آزمون شود. در این پژوهش به دلیل وجود مقاطع (تعداد شرکت‌ها) زیاد و سری زمانی کم از آزمون مادالا و ویو (۱۹۹۹) استفاده شده است. نتیجه این آزمون در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: آزمون ریشه واحد جمعی برای متغیرها

<i>LIQ</i>	<i>CSR</i>	<i>CEOT</i>	<i>CEOD</i>	<i>FP</i>	
$< 2 \times 10^{-16}$	$< 2 \times 10^{-16}$	$< 2 \times 10^{-16}$	$< 2 \times 10^{-16}$	$< 2 \times 10^{-16}$	P-مقدار آزمون
	<i>Loss</i>	<i>AGE</i>	<i>LEV</i>	<i>SIZE</i>	
	$< 2 \times 10^{-16}$	$< 2 \times 10^{-16}$	$< 2 \times 10^{-16}$	$< 2 \times 10^{-16}$	P-مقدار آزمون

همان طور که ملاحظه می‌شود برای تمامی متغیرها P-مقدار از ۰/۰۵ کمتر بوده است. از این رو می‌توان ایستایی تمامی متغیرها را پذیرفت.

در فرضیه‌های پژوهش داریم:

دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد.

دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مسئولیت پذیری اجتماعی اثرگذار است.

دوره تصدی مدیرعامل بر عملکرد شرکت تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

دوره تصدی مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مسئولیت پذیری اجتماعی اثرگذار است.

همان طور که در فصل پیش اشاره شد قبل از آزمون مدل رگرسیون لازم است آزمون‌هایی را به منظور انتخاب بهترین

مدل رگرسیون انجام دهیم آزمون‌های انجام شده بدین شرح می‌باشد:

اولین آزمون، آزمون F-لیمر است. در صورتی که P-مقدار کمتر از ۰/۰۵ باشد، روش رگرسیون پانلی و در غیر این

صورت رگرسیون OLS انتخاب می‌شود.

جدول ۳: نتایج آزمون F لیمر برای مدل فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون	P-مقدار	آماره F	فرضیه صفر (H_0)
فرضیه H_0 رد می‌شود. (روش پانلی بهتر است)	۰/۰۰۰	۳/۴۹	ارجحیت روش OLS

آزمون F لیمر بیانگر این مطلب است که در سطح خطای ۵ درصد بین روش OLS و روش پانلی، باید از روش پانلی

استفاده شود. پس از آنکه مدل پانلی انتخاب شد، برای تشخیص و شناخت درست مدل مورد استفاده و اینکه مدل اثرات

ثابت موضوع روش تخمین است یا مدل اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده می‌کنیم. در صورتی که P-مقدار

آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد روش با اثرات ثابت و در غیر این صورت روش با اثرات تصادفی انتخاب خواهد شد. نتایج

این آزمون به شرح زیر است:

جدول ۴: آزمون هاسمن برای مدل فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون	P-مقدار	آماره خی-دو	فرضیه صفر (H_0)
H_0 رد می‌شود (روش اثرات ثابت بهتر است)	۰/۰۰۰	۶۴/۸۷	استفاده از روش اثرات تصادفی

همان طور که مشاهده می‌شود برآورد مدل به روش اثرات ثابت بهتر است. برای آزمون این که آیا خطای مدل مورد

استفاده خود همبستگی سریالی دارند، از آزمون بروش-گادفری استفاده می‌کنیم. اگر P-مقدار از ۰/۰۵ کمتر باشد

می‌توان گفت داده‌های مورد بررسی خودهمبستگی سریالی دارند.

جدول ۵: آزمون بروش-گادفری برای مدل فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون	P-مقدار	آماره خی-دو	فرضیه صفر (H_0)
H_0 رد می‌شود (خود همبستگی سریالی وجود دارد)	۰/۰۰۰	۱۰۱/۷۵	خود همبستگی سریالی وجود ندارد

همان طور که مشاهده می‌شود P-مقدار از ۵ درصد کمتر است لذا خودهمبستگی خطای مدل پذیرفته می‌شود. برای

آزمون این که آیا خطای مدل مورد استفاده ناهمسانی واریانس دارند، از آزمون بروش-پاگن استفاده می‌کنیم. اگر P-

مقدار از ۰/۰۵ کمتر باشد می‌توان گفت داده‌های مورد بررسی ناهمسانی واریانس دارند. نتایج آزمون به صورت زیر

است:

جدول ۶: آزمون بروش-پاگن برای مدل فرضیه‌های پژوهش

فرضیه صفر (H_0)	آماره خی-دو	P-مقدار	نتیجه آزمون
همسانی واریانس خطا وجود دارد	۴۳/۹۵	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود (همسانی واریانس خطا وجود ندارد)

همان طور که مشاهده می‌شود P-مقدار از ۵ درصد کمتر است لذا همسانی واریانس خطای مدل پذیرفته نمی‌شود. در این راستا با جمع‌بندی پیش فرض‌های رگرسیون به این نتیجه رسیده که باید از رگرسیون پانلی تعمیم یافته استفاده نماییم. پس از انجام این رگرسیون نتایج به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۷: نتایج مدل فرضیه‌های پژوهش

ضرایب	VIF	ضرایب متغیر در مدل	انحراف استاندارد خطا	آماره t	P-مقدار	نتیجه
عرض از مبدا	-	-۰/۱۱۴	۰/۰۴۲	۲/۷۲۴	۰/۰۰۶	معناداری در مدل
CEOD	۲/۴۵	-۰/۰۲۸	۰/۰۰۲۴۴	-۱۱/۶۲۷	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
CEOT	۲/۳۹	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰۳	۱۰/۳۱۰	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
CSR	۲/۱۴	۰/۰۵۳	۰/۰۰۶	۸/۸۲۴	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
CEOD * CSR	۲/۲۹	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۶۸	-۳/۳۸۰	۰/۰۰۷	معناداری در مدل
CEOT * CSR	۲/۱۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۰۸	۱۹/۱۱۰	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
SIZE	۱/۱۹	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲۵	۲/۰۱۱	۰/۰۴۴	معناداری در مدل
LEV	۱/۱۵	-۰/۲۱۲	۰/۰۵۵	-۳/۹۰	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
AGE	۱/۲۸	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۲۹	۰/۵۲۴	۰/۶۰۰	عدم معناداری در مدل
Loss	۱/۱۴	-۰/۱۹۴	۰/۰۱۴۲	-۱۳/۵۹۳	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
LIQ	۱/۱۰	۰/۵۰۷	۰/۰۳۸۷	۱۳/۱۰۶	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
ضریب تعیین		۰/۶۰۳				
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۹۶				
آزمون معنی داری مدل		آماره F	۹۳/۳۰			
		P-مقدار	۰/۰۰۰			
آزمون دوربین-واتسون		آماره دوربین-واتسون	۲/۱۱			
		P-مقدار	۰/۷۲۵			

همان طور که ملاحظه می‌شود در جدول ۷ ماکسیمم مقادیر VIF کمتر از ۵ بوده است از این رو وجود تمامی متغیرها در مدل آن را محدودش نخواهند کرد. همچنین P-مقدار (۰/۰۰۰) آزمون معنی دار بودن مدل نیز مناسب بودن مدل را نیز تأیید می‌کند. از طرفی نتایج ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۵۹/۶ درصد از متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود.

با توجه به نتایج، آماره $t(11/627)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *CEOD* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد. همچنین ضریب این متغیر در مدل منفی بوده است. بنابراین دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج، آماره $t(-3/380)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *CEOD * CSR* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۷) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مسئولیت پذیری اجتماعی اثرگذار است.

با توجه به نتایج، آماره $t(10/310)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *CEOT* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد. همچنین ضریب این متغیر در مدل مثبت بوده است. بنابراین دوره تصدی مدیرعامل بر عملکرد شرکت تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

با توجه به نتایج، آماره $t(19/110)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *CEOT * CSR* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین دوره تصدی مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثرگذار است.

برای سایر متغیرها داریم:

با توجه به نتایج، آماره $t(8/824)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *CSR* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

با توجه به نتایج، آماره $t(2/011)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *SIZE* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۴۴) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

با توجه به نتایج، آماره $t(-3/90)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *LEV* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

با توجه به نتایج، آماره $t(0/524)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *AGE* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره کمتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۶۰۰) نیز بیشتر از ۵ درصد می‌باشد.

با توجه به نتایج، آماره $t(-13/593)$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل *LOSS* در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

با توجه به نتایج، آماره t (۱۳/۱۰۶) نشان می‌دهد که متغیر مستقل LIQ در این مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

جدول ۸: خلاصه نتایج فرضیه های تحقیق

فرضیه	شرح فرضیه	تایید	عدم تایید
اول	دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد.	✓	
دوم	دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مسئولیت پذیری اجتماعی اثرگذار است.	✓	
سوم	دوره تصدی مدیرعامل بر عملکرد شرکت تأثیر مستقیم و معناداری دارد.	✓	
چهارم	دوره تصدی مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مسئولیت پذیری اجتماعی اثرگذار است.	✓	

۵. بحث و نتیجه گیری

تحلیل نتایج فرضیه اول و دوم

دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد. دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مسئولیت پذیری اجتماعی اثرگذار است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه نخست پژوهش در جدول ۷ نشان داد که سطح معنی داری متغیر دوگانگی وظایف مدیرعامل کمتر از ۵ درصد یا ۰/۰۵ است. بنابراین دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به اینکه علامت ضریب متغیر دوگانگی وظایف مدیرعامل در مدل این فرضیه منفی است، تأثیر دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت منفی یا معکوس بوده و نخستین فرضیه پژوهش حاضر پذیرفته می‌شود. همچنین مقدار ضریب متغیر مستقل یعنی دوگانگی وظایف مدیرعامل بیانگر این است که تغییرات متغیر وابسته یعنی عملکرد مالی شرکت به میزان ۰/۰۲۸- (در صورت ثابت بودن سایر شرایط) از طریق دوگانگی وظایف مدیرعامل تبیین می‌شود. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول ۷ نشان داد که سطح معنی داری متغیر تعدیلگر مسئولیت پذیری اجتماعی (CEO*CSR) کمتر از ۰/۰۵ یا ۵ درصد است. بنابراین مسئولیت پذیری اجتماعی بر رابطه بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به اینکه علامت ضریب متغیر تعدیلگر مسئولیت پذیری اجتماعی در مدل این فرضیه، منفی می‌باشد، این متغیر بر ارتباط بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و عملکرد مالی شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد. همچنین مقدار ضریب متغیر تعدیلگر یعنی مسئولیت پذیری اجتماعی بیانگر این است که این متغیر به میزان ۰/۰۰۲- (در صورت ثابت بودن سایر شرایط) بر رابطه بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و عملکرد مالی شرکت اثرگذار بوده و رابطه آن‌ها را تضعیف می‌کند. نتایج این فرضیه‌ها بیانگر این است که اگر در یک شرکت، مدیرعامل به صورت همزمان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره نیز باشد یا به عبارت دیگر وظایف مدیرعامل شرکت دوگانه باشد، عملکرد شرکت کاهش خواهد یافت. بر اساس تئوری نمایندگی در صورتی که مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره نیز باشد، وظایف نظارتی هیات مدیره بر عملکرد مدیران به

دلیل قدرت مدیر عامل، مختل می‌شود و مانع ایجاد نظارت و نظم دهی عملکرد مدیران می‌گردد. به ویژه هنگامی که مدیر عامل شرکت با چنین قدرتی مواجه می‌شود به احتمال بیشتری به سمت دستیابی به منافع شخصی خود و نه منافع سهامداران سوق پیدا می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد که بین دوگانگی وظایف مدیر عامل و عملکرد شرکت رابطه معکوس و معناداری وجود داشته باشد. اما اگر شرکت در برنامه‌ریزی‌ها و خط مشی‌های خویش، توجه بیشتری به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فعالیت‌های عام‌المنفعه داشته باشد، این سیگنال به بازار ارائه می‌شود که دارای عملکرد مناسبی بوده و قادر به انجام فعالیت‌هایی می‌باشند که شرکت‌های دیگر از این توانایی برخوردار نیستند؛ زیرا فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی واحدهای تجاری مشتمل بر سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه مالی است. مزیت دیگر مسئولیت اجتماعی برای شرکت-ها این است که به عنوان ساز و کار مناسبی جهت ایجاد شهرت برای شرکت‌ها عمل می‌کند. در نتیجه، هم بازار و هم سایر سهامداران اطلاعات بیشتری در مورد عملکرد شرکت به دست می‌آورند که می‌تواند انتظارات شان را از ارزش شرکت شکل دهد. بنابراین ارتباط منفی بین دوگانگی وظایف مدیر عامل و عملکرد مالی تضعیف خواهد شد. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های سفیرا علیفا و پوجی هارتو (۲۰۲۰) مطابقت دارد اما بر خلاف یافته‌های فروغی و رحیمی (۱۴۰۰) می‌باشد.

تحلیل نتایج فرضیه سوم و چهارم

دوره تصدی مدیر عامل بر عملکرد شرکت تأثیر مستقیم و معناداری دارد. دوره تصدی مدیر عامل بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثرگذار است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش در جدول ۷ نشان داد که سطح معنی داری متغیر دوره تصدی مدیر عامل کمتر از ۵ درصد یا ۰/۰۵ است. بنابراین دوره تصدی مدیر عامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به اینکه علامت ضریب متغیر دوره تصدی مدیر عامل در مدل این فرضیه مثبت است، تأثیر دوره تصدی مدیر عامل بر عملکرد مالی شرکت مثبت یا مستقیم بوده و دومین فرضیه پژوهش حاضر پذیرفته می‌شود. همچنین مقدار ضریب متغیر مستقل یعنی دوره تصدی مدیر عامل بیانگر این است که تغییرات متغیر وابسته یعنی عملکرد مالی شرکت به میزان ۰/۰۰۰۳ (در صورت ثابت بودن سایر شرایط) از طریق دوره تصدی مدیر عامل تبیین می‌شود. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول ۷ نشان داد که سطح معنی داری متغیر تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی (CEOT*CSR) کمتر از ۰/۰۵ یا ۵ درصد است. بنابراین مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر رابطه بین دوره تصدی مدیر عامل و عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به اینکه علامت ضریب متغیر تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مدل این فرضیه، مثبت می‌باشد، این متغیر بر ارتباط بین دوره تصدی مدیر عامل و عملکرد مالی شرکت تأثیر مستقیم و معناداری دارد. همچنین مقدار ضریب متغیر تعدیلگر یعنی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیانگر این است که این متغیر به میزان ۰/۰۰۰۲ (در صورت ثابت بودن سایر شرایط) بر رابطه بین دوره تصدی مدیر عامل و عملکرد مالی شرکت اثرگذار بوده و رابطه آن‌ها را تقویت می‌کند. نتایج این فرضیه‌ها بیانگر این است که اگر در یک شرکت، دوره تصدی مدیر عامل شرکت طولانی باشد، عملکرد مالی شرکت بهبود خواهد یافت. اطلاعات در مورد توانایی و دوره تصدی یک مدیر عامل در تعیین استراتژی برای افزایش سود شرکت نیز یکی از اطلاعات مهم برای یک سرمایه‌گذار است. به طوری که هرچه قدرت مدیر عامل در تعیین استراتژی شرکت برای افزایش سود بیشتر باشد، ارزش شرکت بیشتر می‌شود، تأثیر بیشتری بر عملکرد شرکت خواهد داشت. علاوه بر این اگر شرکت در برنامه‌ریزی‌ها و خط‌مشی‌های خویش،

توجه بیشتری به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فعالیت‌های عام‌المنفعه داشته باشد، این سیگنال به بازار ارائه می‌شود که دارای عملکرد مناسبی بوده و قادر به انجام فعالیت‌هایی می‌باشند که شرکت‌های دیگر از این توانایی برخوردار نیستند؛ زیرا فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی واحدهای تجاری مشتمل بر سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه مالی است. مزیت دیگر مسئولیت اجتماعی برای شرکت‌ها این است که به عنوان ساز و کار مناسبی جهت ایجاد شهرت برای شرکت‌ها عمل می‌کند. در نتیجه، هم بازار و هم سایر سهامداران اطلاعات بیشتری در مورد عملکرد شرکت به دست می‌آورند که می‌تواند انتظارات شان را از ارزش شرکت شکل دهد. بنابراین ارتباط مثبت بین دوره تصدی مدیرعامل و عملکرد مالی تقویت خواهد شد نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های سفیرا علیفا و پوجی هارتو (۲۰۲۰) مطابقت دارد اما بر خلاف یافته‌های فروغی و رحیمی (۱۴۰۰) می‌باشد.

پیشنهادات برای استفاده کنندگان از تحقیق

پیشنهادات کاربردی

با توجه به نتایج فرضیه اول که نشان داد دوگانگی وظایف مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد، به مالکان و سهامداران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود تا از انتخاب همزمان مدیرعامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره و ایجاد وظایف دوگانه برای مدیرعامل اجتناب نمایند تا از این طریق از افزایش قدرت مدیرعامل و در نتیجه آن کاهش نظارت‌های هیات مدیره که ممکن است عملکرد شرکت را با خطر مواجه سازد جلوگیری نمایند. با توجه به نتایج فرضیه سوم پژوهش که نشان داد دوره تصدی مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر مستقیم و معناداری دارد، به سازمان‌ها و مراجع قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود تا به منظور بهبود عملکرد شرکت‌ها، ساز و کارهایی را فراهم آورند تا به وسیله آن، دوره تصدی مدیران عامل شرکت‌ها طولانی‌تر شود تا از این طریق به وسیله ایجاد ثبات بیشتر و مدت زمان بیشتر برای پیاده نمودن برنامه‌های مفید، امکان بهبود عملکرد شرکت‌ها را بهبود بخشند. با توجه به نتایج فرضیه‌های دوم و چهارم پژوهش که نشان داد مسئولیت‌پذیری اجتماعی با بهبود قدرت مدیرعامل سبب افزایش عملکرد مالی شرکت می‌گردد، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا در هنگام سرمایه‌گذاری، در کنار دیگر فاکتورها به موضوع برنامه‌های اجتماعی و عام‌المنفعه شرکت‌ها توجه ویژه‌ای نمایند و در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که از سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتری برخوردار هستند، چراکه در این شرکت‌ها انتشار اخبار و سیگنال‌های مثبت به بازار بیشتر خواهد بود و بنابراین عملکرد آن‌ها بهبود خواهد یافت.

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

مقایسه نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ارتباط بین دانش مالی مدیران و عملکرد مالی شرکت.

بررسی نقش سوگیری‌های رفتاری مدیران در ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت.

انجام پژوهش حاضر به تفکیک در صنایع مختلف و مقایسه نتایج صنایع با یکدیگر.

۶. منابع و مآخذ

۱. اسکو، کاردگر. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر افشای مسئولیت اجتماعی با تأکید بر اثر تعدیل گر ساختار هیئت مدیره، فصلنامه رویکرد‌های پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال چهارم، شماره ۵۰، جلد پنجم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۱۵-۱۲۸.

۲. توانگر، اسکافی. (۱۳۹۷). ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دانشکده اقتصاد و حسابداری واحد تهران مرکزی، سال دهم / شماره ۳۸ / تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۸۷ تا ۲۰۷.
۳. تفتیان، معین الدین؛ زارع. (۱۴۰۱) تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیلگر کیفیت کمیته حسابرسی، نشریه پژوهش های حسابرسی حرفه ای، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۶۶-۱۴۴.
۴. رحیمی، فروغی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر مکانیسم های کنترلی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ارزش شرکت، مجله پیشرفت های حسابداری، دوره یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۵۱ تا ۱۸۲.
۵. شیرخانی، صفری گرایی؛ ولیان. (۱۴۰۰) قدرت مدیرعامل و تصمیم گیری ازدحامی منافع سهامداران بر اساس نظریه سلفستایی گری، نشریه علمی حسابداری مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۴۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۴۹-۱۶۵.
۶. ظاهری عبده وند، مقدم؛ تامرادی. (۱۴۰۰). تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی، پژوهش های حسابداری مالی، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۸۷-۱۰۸.
۷. عرب، حسینی؛ غلامرضا پور. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و اهرم مالی شرکت، فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، دانشگاه الزهراء، سال نهم، شماره ۳۴، پاییز ۱۴۰۰، صص ۱۲۳-۱۴۰.
۸. فروغی، رحیمی. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله توسعه و سرمایه، انجمن تجارت الکترونیک ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ششم، شماره ۱، پیاپی ۱۰، صص ۲۴۷-۲۳۱.
۹. قلیچ لی، مشبکی. (۱۳۸۵). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری سازمان (مطالعه دو شرکت خودرو ساز ایرانی)، فصلنامه دانش مدیریت، سال نوزدهم، شماره ۷۵، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۲۵-۱۴۲.
۱۰. مرانی، صالحی؛ جرجرزاده، کعب میر. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل، ارتباط سیاسی و مسئولیت پذیری اجتماعی بر حساسیت سرمایه گذاری به وجه نقد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه اقتصاد مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۴ (پیاپی ۵۷)، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۸۵-۳۰۷.
۱۱. نیکبخت، ویسی حصار؛ فاطری. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت، فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، سال هشتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۹، صص ۸۷-۱۰۶.

12. Abdalkarim.G.M, Zehri.CH. (2019). " CEO Power, Ownership Structure and Firms' Performance: Evidence from GCC Listed Firms " Department of Business Management, College of Sciences and Humanities - Al-Salil, Shahzad Setam bin Abdulaziz University of Saudi Arabia, pp: 504-512. <https://www.xajzkjdx.cn/gallery/53-dec2019.pdf>.

13. Alifah.S, Harto.P. (2020). " The Effect of CEO Power on Firm Performance Moderated by Corporate Social Responsibility (CSR) Disclosure (Empirical Evidence in Manufacturing Companies Listed on Indonesia Stock Exchange (IDX) For Period 2018-2020) ", JournalofAccounting, pp:1-15.
14. Jia.X, Liao.S, Heijden.B, Li.W. (2022). " Power and responsibility: How different sources of CEO power affect firms' corporate social responsibility practices ", Business Ethics, the Environment & Responsibility, July 2022, pp:682-701.
15. Hsiu-l Ting, Horace Chueh, Pang-Ru Chang. (2017). " CEO power and its effect on performance and governance: Evidence from Chinese banks", Elsevier, Emerging Markets Review, Volume 33, December 2017, pp: 42-61.
16. Line chu.H, Lio.N, Chiu.S. (2022). " CEO power and CSR: the moderating role of CEO characteristics", China Accounting and Finance Review, ISSN: 1029-807X, Article publication date: 9 June 2022.



Examining the effect of the CEO's power on the financial performance of companies with the moderating role of the level of social responsibility disclosure

Abolfazl Karimian *¹

Zeynab Zahmatkesh ²

Soheila Shahrestani ³

Abstract

The aim of the current research is to investigate the effect of the CEO's power on the financial performance of companies with the moderating role of the social responsibility disclosure level in companies listed on the Tehran Stock Exchange. In terms of purpose, this research is among applied research and in terms of data collection method, it is classified as post-event research. The statistical population of the research is all the companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the years 2017-2021. In order to select the statistical sample, a systematic elimination method was used, and after applying the relevant criteria, 172 companies were selected as a statistical sample. In this research, regression analysis was used to test the research hypotheses. The results of the test of the research hypotheses showed that the duality of the CEO's duties has a negative and significant effect on the company's financial performance. Social responsibility weakens the relationship between the CEO's dual duties and the company's financial performance. Also, the tenure of the CEO has a direct and significant effect on the company's financial performance. Social responsibility strengthens the relationship between the CEO's tenure and the company's financial performance.

Keyword

CEO's tenure, CEO's dual duties, return on assets, social responsibility.

1 Master's student, Imam Javad Institute of Higher Education (AS), Yazd, Iran. (* Responsible author: abolfazle_karimian@yahoo.com)

2 Assistant Professor of Accounting Department, Imam Javad Institute of Higher Education (AS), Yazd, Iran. (zahmatkesh.z@gmail.com)

3 Assistant Professor of Accounting Department, Imam Javad Institute of Higher Education (AS), Yazd, Iran. (s.shahrestani@yahoo.com)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی